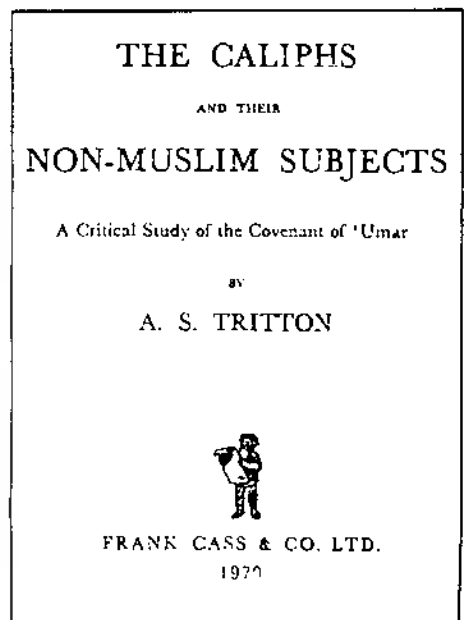


# خلفا و رعایای غیر مسلمانان

Tritton, A.S.: The Caliphs and their non-muslim subjects, Frank Cass & Co., London, 1970

● علی ناظمیان فرد



یهودیان و مسیحیان که اهل کتاب بودند می‌توانستند با شرایط خاصی به تابعیت جامعه اسلامی درآیند. این نوع تابعیت که با قرارداد دو جانبه انجام می‌گرفت در اصطلاح فقه اسلامی «ذمه» نامیده می‌شد و کسانی که چنین پیمانی را با مسلمانان منعقد می‌نمودند «ذمی» می‌گفتند. اما آن دسته از زردشتیان که حاضر شدند با پرداخت جزیه و قبول ذمه بر کیش خویش باقی بمانند باعث قدری گفت و گو در بین مسلمانان شدند. قوت این شبهات به حدی بود که عمر بن خطاب را در طریق برخورد با زردشتیان مردد نمود. به طوری که اذعان داشت که نمی‌داند با اینها چگونه رفتار نماید. اما عبدالرحمن بن عوف تردید او را زایل نمود و گفت که پیامبر فرموده است یا آنها همچون اهل کتاب رفتار کنید. گرچه این روایت اساس کار عمر و سایر خلفا قرار گرفت اما بحث بر سر اهل کتاب بودن آنها در میان ادامه یافت و موجب پیدایش اقوال مخالف گردید. ابویوسف آنها را ملحق به اهل کتاب شمرده است.<sup>۲</sup> شهرستانی در «ملل و نحل» و محقق حلّی در «شرایع الاسلام» آنها را از کسانی می‌دانند که در میان آنها شبه کتابی هست.<sup>۳</sup> قلّشندی نیز در باب اینکه آیا کتاب مقدس زردشتیان از کتب منزل است یا مصنف، تردید نموده است و سپس می‌افزاید که وجود کتاب منزلی برای آنها قطعیت ندارد. در برخی از منابع فقهی تصریح شده است که مجوسان پیامبری داشته‌اند که به قتل رسیده و نیز کتاب آسمانی آنها که بر دوازده هزار پوست گاو تحریر یافته بود در آتش سوزانده شده است.<sup>۴</sup>

صاحب تفسیرالمیزان نیز معتقد است که آیه هفده سوره حج دلالت و یا حداقل اشعار دارد بر اینکه زردشتیان اهل کتابند...<sup>۵</sup> اما به نظر می‌رسد که روشن‌ترین پاسخ از آن مرحوم مرتضی مطهری است. او اظهار می‌دارد که اگر محتویات اسناد و مدارک تاریخی را با موازین علم توحید بسنجیم، نمی‌توانیم آیین زردشتی را آیین توحیدی بدانیم زیرا تئوری زردشت در باب نظام خلقت طبق این اسناد و مدارک به نحوی است که با توحید سازگار نیست ولی ما مسلمانان می‌توانیم از زوایه فقه و حدیث، آیین زردشتی را یک آیین توحیدی

بدانیم<sup>۶</sup> و سنت پیامبر در باب رفتار با مجوسان بحرین نیز مؤید همین معناست. به هر حال شهادت عبدالرحمن بن عوف در نزد عمر باعث شد تا فاتحان مسلمان با زردشتیان به منزله اهل کتاب رفتار نمایند و کسانی از زردشتیان را که با شرایطی مایل به باقی ماندن بر کیش اجدادی خود باشند به عنوان اهل ذمه قلمداد نمایند.

از همان قرون نخستین اسلامی تاکنون مؤلفان و مصنفانی چند کوشیده‌اند تا با تالیف و تحریر یک رشته آثار به بررسی اوضاع ممالک مفتوحه، کیفیت فتح آنها، مناسبات میان فاتحان و مغلوبان و نحوه اخذ جزیه و جیات خراج و ... بپردازند. «کتاب الخراج» اثر قاضی ابویوسف بن ابراهیم (وفات ۱۸۲ هـ) کهن‌ترین کتاب موجود در زمینه خراج و فتوح است که به خواست هارون الرشید نوشته شده است. «کتاب الاموال» نوشته ابوعبیدابن سلام و «کتاب الخراج و صنعة الكتابة» اثر قدامة بن جعفر و «احکام السلطانیة» نوشته ماوردی نیز حاوی اطلاعات ذی قیمتی در این باب می‌باشند. بلاذری در «فتوح البلدان» و ابن اعثم کوفی در «کتاب الفتوح» اخبار و گزارش‌های ارزشمندی را در باب فتوح بدست می‌دهند. کتاب «خلفا و رعایای غیرمسلمانان» نیز در همین راستا به منصف ظهور رسیده است. این کتاب در سال ۱۹۳۰ م. توسط آ.اس. تریتون در بریتانیا منتشر شد و از آن پس تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است. نویسنده بر پژوهش خویش از منابع متقدم معتبر همچون: اغانی، الکامل، فتوح البلدان، فتوح الشام، فتوح مصر، القهرست، مسالک و الممالک ابن خوقل (صورة الارض)، اطلاق التفسیه، البلدان، مسالک و ممالک ابن خرداد به، عقدالفرید، البیان، الخراج ابویوسف، مروج الذهب، التنبیه و الاشراف، الخراج یحیی، بهره برده است. کتاب مزبور از یک مقدمه و سیزده فصل تشکیل شده است. نویسنده در مقدمه به تبیین اشکال مختلف حکومت اسلامی پس از پیامبر می‌پردازد و اعلام می‌دارد که هرچه که از عصر رسول فاصله می‌گیریم، نظام حکومتی از سادگی به پیچیدگی میل می‌نماید. در همین بخش یک چشم‌انداز کلی به حکومت خلفای راشدین، امویان و عباسیان از منظر سیاسی - اجتماعی ارائه می‌شود.

فصول سیزده گانه کتاب را به ترتیب عناوین: پیمان عمر، نظام حکومتی، کلیساها و صومعه‌ها، آشوب در قاهره، کلیسا و دولت، اعراب مسیحی، یهودی و مجوسی؛ اعمال مذهبی، انبسه و پوشاک، اذیت و آزارهای غالباً مالی و مادی، شرایط اجتماعی، ادبیات و طب، سرزمین مقدس، و مالیات تشکیل می‌دهند. نویسنده کوشیده است تا در پرتو منابع و مأخذی که بدانها رجوع کرده است پیرامون عناوین هر یک از فصول کتاب خود، به گونه‌ای مستوفیاً به بحث بپردازد. اما با همه جد و جهد بلیغ و اهتمام مشکوری که در این راستا به عمل آورده است، حصر نظر در منابع معدود، او را از پرداختن به جنبه‌های گوناگون و مختلف قضا یا بازداشته است. فی‌المثل وقتی که از تعهدات اهل ذمه سخن به میان می‌آورد با عدم تفکیک میان تعهدات ضروری و

اسلام در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) تقریباً محدود به جزیره‌العرب ماند و پس از رحلت ایشان، مشی سیاسی - نظامی خلفا بر فتوح و بردن اسلام به دارالکفر تعلق گرفت. اما فتح شهرها از کیفیت یکسانی برخوردار نبود. برخی از آنها بدون کمترین مقاومتی تسلیم شده، با مسلمانان پیمان صلح منعقد نمودند. بعضی دیگر نیز در اثر پایداری در برابر اعراب مسلمان به قهر و خشونت گشوده شدند. این دو نحوه از فتح را اصطلاحاً مفتوح بالصلح و مفتوح العنوه گویند.

مردم مناطق فتح شده برخورد یکسانی با فاتحان نداشتند. عده‌ای با پذیرش اسلام، مسلمان شدند و دسته‌ای دیگر با پرداخت جزیه به کیش اجدادی خود باقی ماندند و گروه سوم که حاضر به ترک دین نیاکان خویش نبودند و در همان حال حضور اعراب را در سرزمین خویش بر نمی‌تابیدند اقدام به مهاجرت کردند.

# شوش و جنوب غربی ایران در پویه تاریخ

■ شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستانشناسی (سیر تکامل اجتماعی و فرهنگی از هزاره هفتم قبل از میلاد تا یورش مغول)  
■ گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمنار بلو (فرانسه)، زیر نظر ژان پرو و ژنویو گنوس.  
ترجمه هایده لبال، مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، تهران ۱۳۷۶

● مسمود جوادیان

## شوش و جنوب غربی ایران تاریخ و باستان‌شناسی

(سیر تکامل اجتماعی و فرهنگی از هزاره هفتم قبل از میلاد تا یورش مغول)

گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمنار بلو

زیر نظر ژان پرو و ژنویو گنوس

ترجمه هایده لبال

غیر ضروری، خواننده را به تمییز میان این دو دسته از شرایط واقف نمی‌سازد. در حالی که فقهای اسلامی معتقدند که از مجموع شروط و تعهدات دوازده‌گانه اهل ذمه تنها شش شرط آن ضرورت قطعی داشته که نقض آنها مستلزم معارضه است و شش شرط دیگر جنبه مطلوبیت دارد که تخطی از آن مستلزم مجازات و کیفر می‌باشد.<sup>۸</sup> همچنین به موازات تعهدات اهل ذمه در برابر حکومت اسلامی، از تعهدات حکومت اسلامی در قبال ذمیان سخنی به میان نمی‌آورد و نیز در باب میزان اخذ جزیه و خراج که فقهای اسلام درباره آن اتفاق نظر ندارند از دیدگاه مکاتب مختلف فقهی بررسی نکرده است و این در حالی است که بیشتر فقهای اسلام بر این قول متفق‌اند که اخذ جزیه بر اساس تنزیل و میزان دریافت آن بسته به رأی حاکم اسلامی است ولی خراج و میزان جبايت آن نیز تابع حکم فرمانروای اسلامی است.

با این اوصاف، کتاب مذکور می‌تواند برای کسانی که قصد پژوهش و مطالعه در تاریخ قرون نخستین اسلامی را دارند بدون نقد و نظر مفید و مثمر باشد.

پانوشته‌ها:

- ۱ - بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، تصحیح رضوان محمد رضوان، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۳۹۸ ه.، ص ۲۶۷؛ ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، کتاب الخراج، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۹۹ ه.، ص ۱۳۰؛ جوزی، ابن قیم، احکام اهل الفقه، قسم الاول، حقه الدكتور صبحی صالح، مطبعة جامع دمشق، ۱۳۸۱ ه.، ص ۱ و ۲.
- ۲ - ابویوسف، پیشین، ص ۱۳۰.
- ۳ - شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، به تصحیح محمدرضا جلالی نایینی، جلد اول، انتشارات اقبال، بی‌جا، ۱۳۶۱، ص ۲۲؛ محقق حلّی، ابوالقاسم نجم‌الدین، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، المجلد الاول، انتشارات استقلال، ۱۴۱۲ ه.، ص ۲۵۰.
- ۴ - قلقشندی، احمد بن علی، صبح الاعشی فی صناعة الاتشاء، المجلد الثالث عشر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷ ه.، ص ۲۹۵.
- ۵ - مطهرحلی، جمال‌الدین حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، المجلد الاول، المكتبة المرتضویه لأحیاء و آثار الجغرفیه، بی‌جا، بی‌تا، ص ۳۲۸؛ عاملی، محمد بن حسن البحر، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۱، تصحیح شیخ عبدالرحمن ربانی شیرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا، ص ۹۶؛ صدوق، محمد بن علی بن الحسین، من لایحضره الفقیه، ج دوم، ترجمه صدر بلاغی، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۹، ص ۳۵۷.
- ۶ - طباطبائی، محمدحسین، تفسیر العیزان، جلد نهم، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، انتشارات بنیاد علمی و فکری طباطبائی، بی‌جا، ۱۳۶۲، ص ۳۷۱.
- ۷ - مطهری، مرتضی، خدمات مقابل اسلام و ایران، جلد اول، انتشارات صدرا، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۲، ص ۲۳۵.
- ۸ - بنگرید به: ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، احکام السلطانیة و الولايات الدینیة، مکتب الاعلام الاسلامی، بی‌جا، ۱۴۰۶ ه.، ص ۱۴۵؛ خدوری، مجید، جنگ و صلح در اسلام، ترجمه غلامرضا سعیدی، شرکت نسبی اقبال و شرکا، تهران، ۱۳۳۵، ص ۲۹۴.
- ۹ - ماوردی، پیشین، ص ۱۴۲؛ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المیسوط فی فقه الامامیه، المجلد الثانی، صححه محمدتقی کشفی، المكتبة المرتضویه، تهران، ۱۳۸۷ ه.، ص ۲۷؛ محقق حلّی، پیشین، ص ۲۵۱.

از دیدگاه گروهی از پژوهشگران، مصر زادگاه قدیمی‌ترین تمدن جهان است. گروهی دیگر تمدن سومر را تمدن مادر می‌دانند و آن را بر سایر تمدن‌های شناخته شده جهان مقدم می‌دانند. کسانی همچون زنه گروسه دانشمند فقیه فرانسوی نیز فلات ایران را جایگاه نخستین تمدن جهان اعلام داشته‌اند. او به صراحت می‌گوید: «... در حقیقت اور آن تمدن مادری نبود که تمدن‌های ما از آن زاده شدند، بلکه به هنگام سرآزیر شدن به فلات ایران و کشور کنونی ایران، آن تمدن از همان آغاز در شهر شوش به وجود آمد...» جالب توجه‌تر این که در حفاریات آقایان گنستینو و گبرشمن در تپه سیلک کاشان سفالهایی کشف شد که شاید مقدم بر عهد شوش هم باشد.<sup>۱</sup>

با این حال مقدار آثار کشف شده از لایه‌های مختلف در مناطق جنوب غربی ایران بسیار بیش از آثار مناطق مشابه است، نظیر انواع سفال‌ها، مهرها، لوحه‌ها، بقایای خانه‌های مسکونی و... به همین دلیل این منطقه برای باستان‌شناسان و مورخان شهیر دنیا ارزش تمدنی بسیاری دارد چنانکه ویل دورانت هر چند خود پیشتاریخ شناس نیست اما به اتکای پژوهشهای انجام شده اعلام می‌دارد که نخستین چرخ کوزه‌گری و چرخ ارابه در این جا ظاهر شده است.<sup>۲</sup> هر چند متأسفانه در دانشگاه‌های ما عموماً آغاز تاریخ ایران را با داستان مهاجرت آریایی‌ها شروع می‌کنند و از آثار تمدنی ماقبل آریایی‌ها کمتر سخن به میان می‌آورند و این امر ضرورت تحقیقات جدیدی در این باره را مسلم می‌سازد.

کتاب «شوش و جنوب غربی ایران» هر چند بیش از همه، برای متخصصان و دانشجویان باستان‌شناسی نگاشته شده است با این حال می‌توان گفت که برای همه کسانی که به تاریخ و فرهنگ ایران علاقه‌مندند قابل استفاده است. این کتاب در واقع گزارش دو گردهمایی است که در ایران و فرانسه تشکیل شده است. گردهمایی نخست در شوش در سال ۱۳۵۶ و با شرکت تنی چند از باستان‌شناسانی که در این منطقه به کاوش پرداخته‌اند و گردهمایی دوم در فرانسه به منظور ایجاد تماس و مبادله نظریات ارائه شده طی سالهای

◀ مقدار آثار کشف شده از لایه‌های مختلف در مناطق جنوب غربی ایران بسیار بیش از آثار مناطق مشابه است ... به همین دلیل این منطقه برای باستان‌شناسان و مورخان شهیر دنیا ارزش تمدنی بسیاری دارد. چنانکه ویل دورانت اعلام می‌دارد که نخستین چرخ کوزه‌گری و چرخ ارابه در این جا ظاهر شده است.